بسم‌الله الرحمن الرحیم

## اشاره و مقدمه بحث:

بحث در «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی بود، آیه وقایه، ائتمار و از آیات خاص آیه 55 سوره مریم «**کان یامر اهله بالصلاه**» بررسی شد.

### آیه دوم: آیه اصطبار

آیه دیگر آیه 132 سوره طه است که خطاب به پیامبر اکرم (ص) شده است. می‌فرماید: «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا»**؛ ترجمه: وخانواده ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش.

این آیه در سیاق و مجموعه‌ی آیاتی است که تکالیف را متوجه شخص پیامبر اکرم (ص) کرده است و در میان آن وظایف، تکالیف خانوادگی قرار گرفته است که فرمود «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا**» یعنی خانواده‌ات را بر نماز فرمان بده و خودت هم بر نماز پافشاری کن و صبور باش. این آیه در مورد تربیت عبادی فرزند و خانواده است. آیه خاصه است چون درباره یک موضوع خاص (امر عبادی) می‌باشد. در این آیه هم جهاتی از بحث داریم که به صورت سریع اشاره می‌کنیم:

#### 1. وجوب امر به نماز

نکته اول این است که در اینجا خداوند مستقیماً به پیامبرش (ص) امر می‌کند تا وی امر به معروف نماید. این آیه مانند برخی از آیات قبلی، سیره نیست بلکه خطاب قولی است لذا دال بر وجوب است؛ مانند آیه «**وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ**»[[1]](#footnote-1) است که بیانگر امر به معروف و نهی از منکر عمومی بود، آیه‌ی «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاةِ**» بیانگر امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی است. پس امر به عبادت نسبت به خانواده برای پیامبر (ص) واجب است. تفاوت این آیه با آیه قبلی در این است که این آیه ظهور در وجوب دارد.

#### 2. شمول همه مکلفان

مطلب دیگر در آیه شریفه این است که آیا اختصاص به پیامبر (ص) دارد؟ یا شامل دیگران نیز می‌شود؟ عرض ما این است که با اینکه خطاب آیه متوجه پیامبر (ص) است، حتماً شامل دیگران هم می‌شود. همه مردم در خطاب آیه شریک هستند زیرا:

##### 2.1. الغای خصوصیت

به دلیل اینکه آیه الغای خصوصیت می‌شود؛ آیه اختصاص به پیامبر اکرم (ص) ندارد؛ فقط نوع خطاب متوجه حضرت (ص) است.

##### 2.2. قاعده تأسی

بر اساس قاعده تأسی و لزوم الگوبرداری از رسول خدا (ص) که فرمود: «**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رسول‌الله أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**»[[2]](#footnote-2) مردم وظیفه دارند در همه امور از حضرت الگوبرداری نمایند و هر کاری که بر رسول‌الله (ص) واجب است، بر آنان هم واجب است لذا همه افراد موظف هستند به انبیای الهی تأسی کنند.

پس به دو دلیل فوق، آیه شامل همگان می‌شود و تعمیم داده می‌شود به همه مکلفان. تکلیف مال همه است و اختصاص به پیامبر ندارد.

**تذکر:** این نکته در همه خطابات قرآنی جاری است مگر اینکه قرینه‌ای برخلاف آن باشد.

#### 3. مفهوم اهل

مطلب سوم در مفهوم «اهل» است. قدر متیقن از دایره مفهومی اهل، همسر و فرزند است (وظیفه‌مندی شوهر و پدر) اما ممکن است تعمیم داده شود به شوهر و فرزند (وظیفه‌مندی زن و مادر) و حتی اقوام نزدیک که در دایره بعدی مفهوم اهل قرار دارند. اگر کسی برای تعمیم به یک اطمینان نسبی دست یافت، تعمیم اشکال ندارد و الا در دایره اول مفهوم اهل یعنی همسران با فرزندان شکی نیست؛ بنابراین ممکن است آیه تعمیم داده شود به:

3.1. اختصاص آیه به وظیفه‌مندی پدر نسبت به زن و فرزند؛

3.2. آیه وظیفه‌مندی زن را شامل می‌شود نسبت به شوهر و فرزندان؛

3.3. آیه تعمیم داده می‌شود به وظیفه‌مندی فرزندان نسبت به والدین؛

3.4. آیه تعمیم داده می‌شود به انسان نسبت به سایر اقوام.

البته در آیه وقایه مفهوم «اهل» را توسعه دادیم؛ اینجا سخت‌ است آن‌قدر توسعه داده شود.

#### 4. مصداق امر به معروف یا خطاب جدید

آیا این آیه مصداق امر به معروف و نهی از منکر عمومی است؟ یا تکلیف جدید است؟ اصل در هر خطابی آن است که بیانگر حکم جدید است لذا آیه «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»، آیه‌ی «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاة**» و ... مثال برای تکلیف عام امر به معروف نیستند بلکه هر کدام یک تکلیف جدید هستند. هر شخص یک خطاب عام و عمومی دارد بر اساس آیه «**وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ**» و یک تکلیف خاص هم دارد طبق آیه‌ی «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاة**» لذا در مقام عمل تکلیف فرد، مؤکد می‌شود.

#### 5. مراد از نماز

نکته دیگر این است که مراد از «صلاة» چیست؟ نسبت به آیه وقایه چه نسبتی دارد؟ نماز مصداق «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً**» است؟ یا تکلیف مؤکد است؟ نماز به‌عنوان مصداق معروف ذکر شده است یا نسبت به نماز تأکید و خطاب جدید است؟

به نظر می‌رسد نسبت مطلق و مقید است. نماز یکی از واجبات است. اصل در نماز این است که عنایت خاص وجود دارد. اگر بخواهیم از نماز الغای خصوصیت کنیم، حکم آیه شامل عبادات می‌شود.

بله اگر خطاب عام نداشته باشیم، شاید راحت‌تر الغای خصوصیت می‌توانستیم انجام دهیم و آیه را تعمیم دهیم؛ آن موقع شامل همه تکالیف و واجبات می‌شد. ولی چون خطاب عام داریم لذا مورد خاص الغای خصوصیت نمی‌شود. این نکته، حرف جدید است که قبلاً نگفته بودیم.

در مثال «اکرم العلماء»، اگر بعد از بیان عام «اکرم الفقهاء» اضافه شود، الغای خصوصیت از خطاب اکرم الفقهاء ممکن نیست البته اگر «اکرم الفقهاء» به تنهایی بود، می‌توانست الغای خصوصیت شود و «علماء» را هم در برگیرد. البته الغای خصوصیت در عباداتی که در تراز نماز است، بعید نیست. درعین‌حال روی این حرف پافشاری زیاد ندارم ولی فکر می‌کنم که وجود خطاب عام در برداشت از خطاب خاص اثر دارد و موجب تأکد عقاب و ثواب و نیز شرایط امر به معروف و نهی از منکر اثر دارد.

**سؤال: توجه به شأن نزول**

آیه سوره تحریم، در فضای صدور که در مکه نازل شده است و دیگری در مدینه، این نکته در امکان و عدم امکان تعمیم تأثیر ندارد؟

**پاسخ استاد: اصل موضوعیت**

اصل در هر آیه موضوعیت آن است نه اینکه مصداق خطاب عام باشد. با اینکه برخی آیات در مکه نازل شده ولی از آیات صدر اول نیست که احکام دیگر قبل از آن نبوده باشد.

#### 6. وجوب امر دوم

مطلب دیگر این است که آیا امر به امر دال بر وجوب است برای مأموربه؟

به نظرم دال بر وجوب است یعنی باید امر رسول خدا (ص) و ولی توسط دیگران و مکلفان امتثال شود؛ بنابراین امر اول دال بر وجوب است چون خطاب قولی است. امر دوم هم دال بر وجوب است.

پس اینجا اهل یعنی کسانی که نماز بر آن‌ها واجب است و بالغ هستند، باید مورد امر و نهی قرار بگیرند. دو حکم وجوبی داریم (امر اول و امر دوم) قرینه می‌شود که آیه اختصاص به نماز واجب دارد.

**سؤال:** امر بچه به نماز چه ...؟

**پاسخ استاد**: امر بچه‌های غیر بالغ دلیل خاص دارد.

**تعارض ظهور امر و اطلاق اهل**

1. در «**و أمر اهلک بالصلاة**» احتمال دارد، در عین اینکه دال بر وجوب امر اهل بالغ بر نماز واجب باشد، شامل مطلق اهل نیز شود و نسبت به نماز هم اطلاق داشته باشد و نماز مستحبی را هم در بربگیرد؛ دلالت امر بر وجوب مقید شود به دلیل اطلاق اهل و نماز. اهل مطلق است و حداقل شامل افراد ممیز می‌شود؛ نماز هم مطلق است و شامل نماز واجبی و مستحبی می‌شود. با توجه به این قرینه دست از وجوب امر برمی‌داریم.

2. دو ظهور در مقابل هم هستند و باهم تعارض می‌کنند و درنتیجه تساقط می‌کنند. پس امر ظهور در وجوب دارد و اهل شامل افراد بالغ و افرا ممیز می‌شود و نماز هم شامل نماز واجب و مستحب می‌شود؛ با تعارض ظهورات، یکی از سه حالت پیش می‌آید:

الف) ظهور امر بر وجوب مقدم می‌شود.

ب) اطلاق اهل و نماز بر ظهور امر مقدم می‌شود.

ج) تعارض ظهور امر و اطلاق اهل و نماز و درنتیجه تساقط هر دو دلیل.

د) محدودسازی اطلاق امر در غیر ممیز و شمول نسبت به ممیز

احتمال چهارم این است که دلالت امر بر وجوب برای مأموربه اطلاق دارد و شامل غیر ممیز می‌شود. از اطلاق دست می‌کشیم اما سایر موارد به اطلاق باقی می‌ماند. اطلاق در یک مورد و یک گوشه‌اش ساییده می‌شود اما اطلاق «اهل» و اطلاق «الصلاة» باقی و ظهور امر نیز باقی است.

ما احتمال اول را مقدم می‌نماییم. گرچه نتیجه احتمال اول و سوم یکی است.

#### 7. مفهوم اصطبار

مطلب دیگر در مفهوم «**وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا**» وجود دارد، واصطبر یعنی چه؟ صبر به باب افتعال رفته و تبدیل به اصطبار شده است. در مفهوم آن دو احتمال وجود دارد:

7.1. معنای افتعال به معنای طلب باشد یعنی طلب صبر برای اقامه نماز.

7.2. احتمال دیگر با توجه به قاعده‌ «**زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی**» یعنی باید صبر کرد. تأکید بر صبر به این معنی که باید صبر داشته باشد. این دو احتمال در صیغه «و اصطبر» وجود دارد و نوعی اشعار دارد که «**الصلاة لا تُترک بحال**» یعنی در هیچ حالی نباید ترک شود.

#### 8. مرجع «علیها»

مرجع ضمیر در «علیها» یکی از دو چیز است:

1. نماز یعنی فرد باید بر نماز صبر و استقامت نماید.

2. مرجع محذوف است یعنی صبر کن بر امر به نماز که این احتمال ضعیف است.

#### 9. الغای خصوصیت از امر به سایر روش‌ها

در «و أمر» جای بحث دارد که آیا الغای خصوصیت از «امر به نماز» به روش‌های دیگر در تربیت دینی و عبادی مانند تشویق و ... ممکن است. الغای خصوصیت در اینجا بعید نیست.

### آیه سوم: سوره لقمان

مجموعه آیات 13 الی 19 سوره لقمان است؛ می‌فرماید: «**وَ إِذْ قالَ لُقْمانُ لاِبْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظيمٌ (13) وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلى‏ وَهْنٍ وَ فِصالُهُ في‏ عامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لي‏ وَ لِوالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصيرُ (14) وَ إِنْ جاهَداكَ عَلى‏ أَنْ تُشْرِكَ بي‏ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُما وَ صاحِبْهُما فِي الدُّنْيا مَعْرُوفاً وَ اتَّبِعْ سَبيلَ مَنْ أَنابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (15) يا بُنَيَّ إِنَّها إِنْ تَكُ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ في‏ صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّماواتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطيفٌ خَبيرٌ (16) يا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلى‏ ما أَصابَكَ إِنَّ ذلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (17) وَ لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ (18) وَ اقْصِدْ في‏ مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَميرِ (19)**».

از لقمان به‌عنوان پیامبر (ص) و یا حکیم مجموعه‌ای از توصیه‌های خانوادگی را نقل می‌کند.

**لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ:** تربیت اعتقادی که نهی از شرک نموده است. تربیت خانوادگی به مفهوم اینکه فرزند نسبت به والدین حرف‌شنوی داشته باشند و از آنان اطاعت نمایند؛ در این آیات مطرح شده است.

**يا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلاةَ**: از این آیه می‌توان تربیت عبادی استفاده کرد.

**وَ لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً**: تأکید بر بعد اخلاقی است.

حداقل تربیت در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و ساحت رفتاری و سلوکی در سوره لقمان مطرح شده است و عموماً بر ارتباطات اجتماعی تأکید دارد. توصیه‎های مهمی از زبان لقمان نقل شده است. این مجموعه آیات از ادله تربیت خانوادگی به شمار می‌آید.

#### نکات تربیتی سوره لقمان

نکات آن همان نکاتی است که در آیه مربوط به سیره حضرت اسماعیل (ع) بیان شد. امتیاز این آیات شمول نسبت به همه ساحت‌های تربیتی است. سه ساحت اصلی با دلایلی که قبلاً گفتیم برای همه است. نکته بعدی، شمول از حیث امر و نهی است. شمول ساحت عبادی، اجتماعی و رفتاری است. اصل این است که این تکلیف ویژه خانوادگی است.

1. . (آل‌عمران/ 104) [↑](#footnote-ref-1)
2. . (احزاب/21) [↑](#footnote-ref-2)